

توضیح و پوزش

واکنش تماشاخانه باران به یک یادداشت

● در تاریخ ۱۳۹۶/۳/۲۲ آقای محمد یعقوبی، کارگردان و نمایش‌نامه‌نویس و سرپرست گروه تئاتر این روزها، یادداشتی را با عنوان «بزرگ‌ترین اشتباهم در سال ۹۵» به روزنامه «شرق» ارسال کردند. در این یادداشت مطالبی علیه تماشاخانه باران و مدیران محترم آن مجموعه مطرح شده بود که متأسفانه حاوی کلمات و مضامین توهین‌آمیز، اتهامات اثبات‌نشده و -به‌تعبیر مدیران این تماشاخانه- اکاذیبی بود که موجب بروز خسارات مادی و معنوی برای تماشاخانه باران شده است. روزنامه «شرق» اشتباه صورت‌گرفته در انتشار این مطلب را ناشی از تراکم کاری و نیز اعتماد به شخصیت‌های فرهنگی و هنری کشور در رعایت شئون حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در تهیه یادداشت و ارسال آن به روزنامه دانسته و مجدداً از تماشاخانه باران و مدیران محترم آن پوشش طلبیده و فراموش نمی‌کنیم که تئاتر باران و مجموعه‌هایی شبیه به آن، مؤسساتی خصوصی‌اند که با مشکلات و مسائل بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. روزنامه «شرق» خود به‌عنوان نهادی خصوصی، همواره خواستار حمایت و تکریم این بخش و به‌ویژه حمایت از تئاتر خصوصی در کشور بوده است. ازاین‌رو، امیدواریم بتوانیم اتفاق سهوی رخ‌داده را که موجب رنجش مدیران تئاتر باران شده است، در آینده به‌طرقی جبران مافات کنیم.

خبر

منتقد و تاریخ‌دان اسپانیایی درراه ایران

● **گروه هنر:** «کارلوس هردرو»، منتقد و تاریخ‌دان اسپانیایی، به دعوت مدرسه ملی سینمای ایران برای تدریس یک سرفصل در دوره آموزش عالی «مطالعات فیلم: نظریه، نقد و تحلیل» به ایران می‌آید. «کارلوس هردرو»، منتقد و تاریخ‌شناس اسپانیایی، برای تدریس سرفصل آموزشی «نقش تاریخ سینما در مطالعات فیلم» و «تاریخ سینما و نقد فیلم» در دوره آموزش عالی «مطالعات فیلم: نظریه، نقد و تحلیل» شرکت می‌کند.

مدرسه ملی سینمای ایران قصد دارد به منظور ارتقای فضای نظریه، تحلیل و نقد در سینما، یک دوره آموزش عالی «مطالعات فیلم: نظریه، نقد و تحلیل» را با حضور مدرسان برجسته و منتقدان و سینماگران ملی و بین‌المللی برگزار کند و درهمین راستا از کارلوس هردرو، منتقد اسپانیایی و تاریخ‌شناس سینما، دعوت کرده تا برای تدریس در این دوره آموزش عالی حضور داشته باشد.

هردرو علاوه بر اینکه تاریخ‌دان است و مطالعاتی عمیق در حوزه نقد فیلم دارد، مدیر مجله اسپانیایی «یادداشت فیلم‌کاین» نیز هست و سرتیم بخش نقدنویسی روزنامه «دیاریو ۱۶» بوده و همچنین به‌عنوان تاریخ‌شناس در دانشگاه فیلم اسپانیا، سرفصل‌های آموزشی همچون تاریخ سینمای اسپانیا و سینمای کلاسیک را تدریس کرده است.

از دیگر فعالیت‌های این منتقد می‌توان به مشاوره و همکاری در برنامه روزانه «تاریخ سینمای ما» در تلویزیون اسپانیا اشاره کرد. وی همچنین با مجلات سینما ۲۰۰۲، ویریدیان، دیریدگودو پور، سینمانیا و نوسفراتو همکاری داشته و مشاور انجمن جامعه‌شناسی فرهنگی اسپانیا و مدیر کنگره بین‌المللی «سینما و دون کوپوت» بوده است.



این نویسنده سینمایی و تاریخ‌دان، برای نگارش کتاب‌های «زبان نور»، «مصاحبه‌هایی با D.P. اسپانیایی»، «ردپای زمان» و «سینمای اسپانیا جایزه ست پوردی سینمانگاری را در سال ۱۹۹۵ دریافت کرد. هردرو همچنین کتاب‌هایی درباره سبک فیلم‌سازی سینماگران بزرگ جهان نظیر سم پکینپا، جان هیوستون، جوزف ال مانکوویچ، جان کاساوت، بونک جون-هو، فرانسیس فورد کاپولا، اریک رامر، ریچارد لینکیتز و وونگ کار-وای و نیز چندین سینماگر اسپانیایی مثل خوزه لوئیس بارو، ایوان زالاپتا، پدرو بلتران، مانوئل گویتیر، آراگو و باسیلیو مارتین پائینو نوشته است.

کارلوس هردرو فیلم‌نامه چهار مستند با عناوین «ردیاهای یک روح»، «آلفرد هیچکاک، افسانه‌ای بی‌انتها»، «اورسون ولز در کشور دون کوپوت» و «هوستون و جویس» گفت‌وگو با مُرده را نوشته که به وسیله کارلوس رودریگز کارگردانی شده است.

علاقه‌مندان برای حضور در این دوره آموزش عالی مدرسه ملی ایران می‌توانند تا تاریخ ۲۷ خرداد از طریق روابط‌عمومی مدرسه ملی سینمای ایران اقدام به ثبت‌نام کنند.

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

واکنش اسد شما به‌عنوان کارگردان نمایش «تله‌موش»

نمایش «تله‌موش» اقتباسی از «تله‌موش» آگاتا کریستی است که به‌نویسنده‌گی و کارگردانی سیاوش اسد در تماشاخانه شهزاد روی صحنه می‌رود. اولین برخوردی که با اسم ژانر وحشت در بروشور پیدا می‌کنم، نگران می‌شوم؛ زیرا نمایش‌های کمی در این ژانر دیده‌ام. اما وقتی با بررسی بروشور نمایش متوجه می‌شوم کارگردان آن سال‌هاست که در حوزه ژانر وحشت فعالیت می‌کند کمی دلگرم می‌شوم. کارگردان بسیار تلاش می‌کند تا با صحنه‌های مرموزانه و خلق لحظات پراسترس تماشاگر را غافلگیر کند. درهمین راستا گفت‌وویی با سیاوش اسد، کارگردان و بازیگر؛ ناصرآقای، مشاور کارگردان؛ سحر نظام‌دوست، بازیگر؛ سمیه مهری، بازیگر و حسین پرستار، بازیگر این نمایش، صورت‌گرفته که در ادامه می‌خوانید:

آقای اسد شما به‌عنوان کارگردان نمایش «تله‌موش» درباره انتخاب این متن و تغییراتی که در آن ایجاد کرده‌اید، توضیح دهید.

سیاوش اسد: چندسالی است که نمایش‌هایی جنایی اجرا می‌کنم و بیش از این هم «مرد بالشی» را به صحنه برده بودم. حالا هم «تله‌موش» را بازنویسی کردم و بعد از این هم «مجمه‌ای در کانه‌مارا»، اثر مارتین مک دونا، ژانر کاری من جنایی و وحشت است. متن «تله‌موش» را بازنویسی‌کردم، زیرا فکر کردم می‌توان خیلی خوب آن را بازنویسی کرد و جای کار زیادی دارد و می‌تواند مخاطب را جذب کند. من از «هشت نفرت‌انگیز» تارانتینو و اتاق زیرشیروانی و… برداشت کردم. همه این آثار ویژگی خاص خودشان را دارند و به‌نوعی تعلیق و ویژگی جنایی دارند.

● درواقع درنمایش «تله‌موش» می‌بینیم کج‌فهمی روابط انسانی باعث می‌شود که قتل‌ها اتفاق بیفتد.

سیاوش اسد: من‌ می‌گویم کارما باعث می‌شود کارمای گذشته، در آینده ما تاثیر بگذارد. در واقع می‌بینیم یک قاتل وجود ندارد و هر انسانی براساس شرایط می‌تواند قاتل باشد.

● درنمایش‌نامه، انسانی بی‌کش را وارد کردید؛ شخصیت آگاتا کریستی که چفت و بست نمایش‌نامه شماست و در نهایت به کنشگری عظیمی می‌رسد. دراین‌باره توضیح دهید.

سیاوش اسد: من بخشی را در ذهن داشتم که می‌خواستم آن را وارد نمایش‌نامه کنم. نقش پیرزنی که خودش مشکل روحی دارد و بنده‌های خدا را عذاب می‌دهد. این نقش را به این دلیل که از آگاتا کریستی اقتباس کرده بودم، به نام خودش وارد نمایشم‌کردم. او قتل‌های زنجیره‌ای در عمارت را هم هدایت می‌کند. ● آقای آقای! پرداختن به تئاتر جنایی در کشوری که عادت‌ی به آن ندارد، ریسک بزرگی دارد. درباره این وجه از نمایش «تله‌موش» توضیح دهید.

ناصرآقای: نمایش «تله‌موش» فی‌نفسه در انگلستان به یک برند تبدیل شده است. از سال ۱۹۵۲ تا امروز شاید نزدیک به ۲۷ یا ۲۸ هزار اجرا داشته است (این را جایی خواندم). جامعه انگلستان جامعه‌ای نیست که مثل آمریکا مسائل جنایی‌ی را خیلی راحت هضم کند. در انگلستان نویسندگانی در یک برهه خاص، مثلاً نیمه دوم قرن نوزدهم، نوشته‌هایی دارند که شاید از

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

واکنش اسد شما به‌عنوان کارگردان نمایش «تله‌موش»

نمایش «تله‌موش» اقتباسی از «تله‌موش» آگاتا کریستی است که به‌نویسنده‌گی و کارگردانی سیاوش اسد در تماشاخانه شهزاد روی صحنه می‌رود. اولین برخوردی که با اسم ژانر وحشت در بروشور پیدا می‌کنم، نگران می‌شوم؛ زیرا نمایش‌های کمی در این ژانر دیده‌ام. اما وقتی با بررسی بروشور نمایش متوجه می‌شوم کارگردان آن سال‌هاست که در حوزه ژانر وحشت فعالیت می‌کند کمی دلگرم می‌شوم. کارگردان بسیار تلاش می‌کند تا با صحنه‌های مرموزانه و خلق لحظات پراسترس تماشاگر را غافلگیر کند. درهمین راستا گفت‌وویی با سیاوش اسد، کارگردان و بازیگر؛ ناصرآقای، مشاور کارگردان؛ سحر نظام‌دوست، بازیگر؛ سمیه مهری، بازیگر و حسین پرستار، بازیگر این نمایش، صورت‌گرفته که در ادامه می‌خوانید:

آقای اسد شما به‌عنوان کارگردان نمایش «تله‌موش» درباره انتخاب این متن و تغییراتی که در آن ایجاد کرده‌اید، توضیح دهید.

سیاوش اسد: چندسالی است که نمایش‌هایی جنایی اجرا می‌کنم و بیش از این هم «مرد بالشی» را به صحنه برده بودم. حالا هم «تله‌موش» را بازنویسی کردم و بعد از این هم «مجمه‌ای در کانه‌مارا»، اثر مارتین مک دونا، ژانر کاری من جنایی و وحشت است. متن «تله‌موش» را بازنویسی‌کردم، زیرا فکر کردم می‌توان خیلی خوب آن را بازنویسی کرد و جای کار زیادی دارد و می‌تواند مخاطب را جذب کند. من از «هشت نفرت‌انگیز» تارانتینو و اتاق زیرشیروانی و… برداشت کردم. همه این آثار ویژگی خاص خودشان را دارند و به‌نوعی تعلیق و ویژگی جنایی دارند.

● درواقع درنمایش «تله‌موش» می‌بینیم کج‌فهمی روابط انسانی باعث می‌شود که قتل‌ها اتفاق بیفتد.

سیاوش اسد: من‌ می‌گویم کارما باعث می‌شود کارمای گذشته، در آینده ما تاثیر بگذارد. در واقع می‌بینیم یک قاتل وجود ندارد و هر انسانی براساس شرایط می‌تواند قاتل باشد.

● درنمایش‌نامه، انسانی بی‌کش را وارد کردید؛ شخصیت آگاتا کریستی که چفت و بست نمایش‌نامه شماست و در نهایت به کنشگری عظیمی می‌رسد. دراین‌باره توضیح دهید.

سیاوش اسد: من بخشی را در ذهن داشتم که می‌خواستم آن را وارد نمایش‌نامه کنم. نقش پیرزنی که خودش مشکل روحی دارد و بنده‌های خدا را عذاب می‌دهد. این نقش را به این دلیل که از آگاتا کریستی اقتباس کرده بودم، به نام خودش وارد نمایشم‌کردم. او قتل‌های زنجیره‌ای در عمارت را هم هدایت می‌کند. ● آقای آقای! پرداختن به تئاتر جنایی در کشوری که عادت‌ی به آن ندارد، ریسک بزرگی دارد. درباره این وجه از نمایش «تله‌موش» توضیح دهید.

ناصرآقای: نمایش «تله‌موش» فی‌نفسه در انگلستان به یک برند تبدیل شده است. از سال ۱۹۵۲ تا امروز شاید نزدیک به ۲۷ یا ۲۸ هزار اجرا داشته است (این را جایی خواندم). جامعه انگلستان جامعه‌ای نیست که مثل آمریکا مسائل جنایی‌ی را خیلی راحت هضم کند. در انگلستان نویسندگانی در یک برهه خاص، مثلاً نیمه دوم قرن نوزدهم، نوشته‌هایی دارند که شاید از

فریده آفرین: بخشی از آثار علی نصیر در هر دو نمایشگاه، (در او‌اخر سال ۹۶ در گالری ا و اوایل سال ۹۷ در گالری امروز) طراحی و مربوط به تازگی سال‌های گذشته است و برخی تابلوهای قطع بزرگ با اکریلیک و به تازگی اجرا شده‌اند. آنها بعضی مواقع فیکوراتیو به نظر می‌رسند و گاهی اوقات انتزاعی و اغلب به سمت هر دو دسته میل می‌کنند. گاهی نشانگانی خاص ما را به یک مکان مشخص می‌برد؛ برای نمونه لوستر و اتاق نشیمن. گاهی از آن میان زنی سر برآورده میان اتاق نشیمن. گاهی تصور بر این است که یک بوکسور در حال تمرین روی رینگ است و آماده مشت‌زدن بر بدن حریف. در تمام مواقع ش‌ره‌های رنگ روی رنگ‌های زیرین دودیده است و همین تصادفی بودن و خودانگیختگی اجرا را بیشتر نشان می‌دهد. در آثار بزرگ شیوه رنگ‌گذاری بداهه، آزاد و خودانگیخته و مبتنی‌بر جشش شهودی است. همین ویژگی است که رنگ‌گذاری این هنرمند را بسیار شبیه آثار فوویست‌ها می‌کند. ردپای القایی هنرمندانی مانند آنری ماتیس، موریس دو ولامنک، ژان دو بوغه و نیز سای تومپسلی را به نحای مختلف در آثار او می‌توان یافت. به انضمام اینکه فضای آثار بیشتر از اینکه مرهون نئواکسپرسیونیسم آلمان باشد، برگرفته از جان آثار ماکس یکمان است. اگر از نشانگان فیکوراتیو آثار بگذریم، آنها به نظر یک شاکله یا تصور را شکل می‌دهند که از میان لایه‌های سطوح تصادفی داده‌های تجربی و مفاهیم تجربی، انواع روابط

اگزستانس انسان معاصر را بیرون می‌کشد، بدون اینکه صرفاً به یک دسته وابسته باشد. روابطی مانند: رابطه انسان و طبیعت، رابطه انسان و انسان و رابطه انسان و حیوان، رابطه انسان و معماری و رابطه انسان و خشونت. بنابراین به نظر می‌رسد انسان موضوع بسیاری از آثار اوست. رنگ‌های زنده در آثار او بدیوتی را نشان می‌دهند که خشونت تراش‌نخورده‌ای در آن دیده می‌شود؛ خشونتی درعین حال بسیار متمدن، زیرا بدیوت همین انسان‌های دوروبر ما را نمایش می‌دهد؛ انسان‌هایی محصور در کلاب‌های شبانه یا در سالن‌های یک رستوران مجلل یا در آپارتمانی بزرگ و مجهز که هم‌زمان بدیوت و خشونت هم‌ریختی را می‌توان در آنها مشاهده کرد. تمام این تصاویر فیکوراتیو، به‌سرعت پدیدار می‌شوند و به همان سرعت از بین می‌روند. به این دلیل که از جزئیات عناصر میزانشن هر اثر، چه طراحی و چه نقاشی، به‌شدت کاسته شده است. بنابراین آثار در میان راه فیکوراتیو و انتزاع باقی می‌ماند و از این وجه، بسیار مشابه برخی آثار کاندینسکی به نظر می‌رسند، ازاین‌رو که از انتزاع مطلق را در برهه‌ای از دوره کاری‌اش به دلیل عدم ارتباط با مخاطبان ب‌نام می‌آورد. به نظر می‌رسد این آثار، محصول کنش متمایز هنرمند است؛ کنششی از جنس آنچه در آثار جکسون پولاک و ویلم کونینگ

گفت‌وگو با عوامل نمایش «تله موش» به‌کارگردانی سیاوش اسد

در باب کج‌فهمی‌های روابط انسانی



شخصیت چندبعدی و جذابی برایم بود. تلاش کردم با همه این ابعاد که گاهی عاشق، گاهی قاتل، مقتول، مدیر و… است، همذات‌پنداری داشته باشم و برای بازیگر زیاد اتفاق می‌افتد که حس همذات‌پنداری داشته باشد.

● **شخصیت‌های آثار آگاتا کریستی تقریباً همیشه نوعی ویژگی‌های مشترک مثل معصومیت دارند. در مورد این وجه از آفرینش نقش هم توضیح دهید.**

سحر نظام‌دوست: حس می‌کنم مولی یک بعد اصلی دارد. در دیالوگی می‌گوید شما نمی‌توانید به خاطر گناهانی که در کودکی کردم، من را مجازات کنید. کارمایی که قرار است برای مولی اتفاق بیفتد، می‌افتد. معصومیتی برای مولی وجود دارد. اما می‌خواهد بگوید همه ما انسان‌ها در زندگی اتفاقاتی داریم؛ حتی قبل از سه‌سالگی. مولی نمی‌داند چرا مجازات می‌شود! واقعاً شاید او تقصیر نداشته و خیلی از موارد سوءتفاهم بوده است.

● **چقدر حسادت‌های انسانی موجب حوادثی که در نمایش می‌بینیم، می‌شود؟**

سحر نظام‌دوست: حسادت همیشه از عقده‌ها و کمبودها می‌آید و درجات مختلفی دارد و حتی بعضی از افراد می‌توانند از حسادت آدم بکشند.

● **خانم سمیه مهری؛ نقشی که در نمایش «تله‌موش» بازی می‌کنید، اساساً وجود خارجی ندارد. در مورد این اتفاق توضیح دهید.**

سمیه مهری: ابتدا خاتم ری‌زاندانی این نقش را بازی می‌کرد و به یک والیبالیست نمی‌خورد و او را تنیسور کرده بودند. من هم دنباله‌رو تغییراتی شدم که از قبل برای این نقش تعیین کرده بودند. الیزا کاراکتری است که اصلاً در قتل‌ها نقشی ندارد و جزء آدم‌های بی‌گناه است. در آتش انتقام که همیشه فقط آدم‌های گناهکار نمی‌سوزند، بی‌گناه‌ها هم می‌سوزند.

● **ورود به فضای پلیسی و حضور در اثری با این مضمون ترسناک نبود؟**

سمیه مهری: واقعاً ترسناک بود. در ایران این نوع ژانرها کم‌کار و ضعیف است. ما بیشتر در ترجمه ضعف داریم، چیزی که شاید در برادری برای مردم جذابیت دارد، برای ما که شرقی هستیم، جذابیت ندارد. اصلاً روی آوردن به این نوع متون به‌طور کلی ریسک بزرگی دارد. ما آثار قوی‌تر ژانر پلیسی مثل شرلوک هولمز یا یوزو را داریم و کسانی که این متن‌ها را می‌پسندند، با آثار قوی‌تر ارتباط بهتری برقرار می‌کنند.

هنر

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

توضیح و پوزش

داستان «تله‌موش» هم در ایران ترجمه شده؟

سمیه مهری: بله و از آن اقتباس‌هایی صورت گرفته است. اسد هم اقتباس کرده و ابتدا نام اثر را «وحشت در کلبه» گذاشته و بعد به دلیل علاقه‌ای که به اثر اصلی داشته، آن را به «تله‌موش» تغییر داده است. روند تغییر مدام کار را با درصدهای مختلف پایین و بالا می‌برد. این نکته برای من اهمیت دارد.

● **آقای پرستار؛ نقشی که شما در «تله‌موش» بازی می‌کنید، در زمان هم وجود دارد و حالا در نمایش‌نامه اقتباس‌شده تغییری داشته است. در مورد تفاوت‌هایی که در متن و اجرای خودتان است، توضیح دهید.**

حسین پرستار: من خیلی گشتم تا رمان را پیدا کنم یا حداقل آثار دیگری از آگاتا کریستی را بخوانم. چیزی که از نقشم می‌دانم، این است که نقش نویسنده‌ای را بازی می‌کنم که خانواده‌اش را در جنگ از دست داده و شاید عقده ادیب پیدا کرده اما، جنس مخالف را دوست دارد و شاید هم همین به او ضربه زده است. نویسنده «بیرمرد دریا»، آنرست همینگوی به نقشم شباهت داشت. می‌خواهد بگوید در نهایت صلح است که در جهان جای همه چیز را می‌گیرد.

● **فکر می‌کنید در ادبیات ما چقدر جای چنین آثاری خالی است و باید به ژانرهایی مثل پلیسی و… بپردازیم و یک کمی به ما می‌کند؟**

حسین پرستار: کاری که نتواند تماشاگرش را تحت‌تاثیر قرار دهد، نمایش نیست. من همه تلاشم را می‌کنم که تاثیرگذار باشم. سعی می‌کنم صحنه را در نظر داشته باشم و به بهترین شکل ممکن در آن حضور پیدا کنم و امیدوارم این‌طور باشد و مخاطب متوجه آن چیزی که می‌خواهیم منتقل کنیم، بشود.

● **آقای اسد دکور نمایش بسیار رئال است. در مورد چگونگی انتخاب این متن توضیح دهید.**

سیاوش اسد: ابتدا تصمیمم این‌ بود که دکورم را سوررئال ببندم و اشیاء و انسان‌ها معلق باشند. کمی که جلو رفتم و وقتی بازی‌های رئال را دیدم، حس کردم در فضای رئال، می‌توانسم حس امکانی ایجاد کنم.

● **از تله‌تئاتری که براساس متن «تله‌موش» ساخته شده، به متن وفادارتر بودید. دراین‌باره توضیح دهید.**

سیاوش اسد: من سعی کردم تا جایی که می‌توانستم متن را نسبت به اصل ماجرا مدرنیت‌تر کنم، اما اصل متن برایم مهم بود. واقعیت این است که کسی سراغ ژانر وحشت نمی‌رود و کار ما خیلی سخت است که مخاطب یکباره خسته نشود و از سالن نرود.

● **آقای آقای؛ شما به‌عنوان مشاور کارگردان تا به حال استقبال از نمایش از نظراتن خوب بوده است؟**

ناصرآقای: ممکن است آثاری با ارائه‌دادن طنز سطحی تماشاگران را جذب کنند. تماشاگران طبیعتاً به این‌طور آثار علاقه دارند. اصولاً اقبال نمایش‌های طنز بیشتر است. کسانی که به دیدن این نمایش آمده بودند اکثراً مخاطبان تئاتری نبودند و همان قشری بودند که پای تلویزیون هم می‌نشینند که با آثار طنز همراه شوند و بخندند. بنابراین این میزان سنجی برایم خیلی مطرح نیست.

● **به‌ظهور یافته است. به‌علاوه، این مواند-کلاژها را با نگاهی به علاقه نصیر به سینما، می‌توان دارای منطق مونتاژ دانست. به این دلیل که بیشتر آثار بزرگ این هنرمند، قصد رسیدن به یک کلیت را ندارند، زیرا کلیت محصول سنتز است و در این آثار نفی سنتز یا سنتز دیالکتیکی صورت می‌گیرد. این تصاویر از منطق وحدت دیالکتیکی بهره‌ای نمی‌برند. عدم حضور چنین ویژگی‌ای، به معنای بی‌معنایی آثار نیست، بلکه امتناع از معنا خود تولید معناس‌ت. به همین خاطر به نظر می‌رسد آثار علی نصیر در یک نمایشگاه، از منطق کلاژ در هنرهای تجسمی و از منطق مونتاژ در سینما بهره می‌برد؛ منطقی که بر هماهنگی پیشین بنیاد مواندها جاری و ساری است.**

تصاویر علی نصیر یک گردهمایی از انواع سطوح رنگی است بدون اینکه افسار خود را به خطوط مرزهای مشخص سپسرد. این کارهم‌نشستن‌های سطوح نامتعین از سر ضرورت اثری غیرارگانیک را به وجود می‌آورد. به همین دلیل به همان اندازه که می‌توان این آثار را انتزاعی خواند، به همان میزان هم می‌توان آن را فیکوراتیو دانست. در آثار علی نصیر با توجه به وجه فوویستی‌شان و با نظر به بی‌اهمیتی اجزا، روایت هرمنوتیکی کم‌قابل بازخوانی نیست. می‌دانیم که در گرایش‌های هرمنوتیکی فهم اجزا وابسته به کل به‌هم‌پیوسته و فهم کل وابسته به اجزاست. البته از اینکه علی نصیر تصاویری روبه‌روی ما قرار داده و ما را از این الگوی رایج راه می‌کند، باید احساس رضایت خاطر کنیم، اما دقیقاً همین ویژگی، ارتباط با آثار او را دشوار می‌کند. این آثار بدوا چیزی نمی‌گویند. نه به این دلیل که چیزی برای گفتن وجود ندارد، بلکه از شیوه معمول دریافت مخاطب که عادت به دریافت و خوانش آثار هنری ارگانیک دارد آشنایی‌زدایی شده است. چه در آثار کوچک و چه در آثار بزرگ این نمایشگاه می‌توانیم خودانگیختگی و تأثیری بی‌واسطه آثار را حس کنیم. این حس‌کردن زیباشناختی است که می‌تواند تغییری در پراکتیسمان به وجود بیاورد. گویا، نصیر مخاطب را دعوت به پراکتیسی می‌کند که از بن استتیک و زیباشناختی است. این آثار شعار نمی‌دهند، اما با تغییر در نگاه و سلیقه مخاطب و با ذوق معنایی یا پیام آشکار، تغییری از سر ضرورت در نگاه به مفهوم انسان را موجب می‌شوند. در این آثار شاکله انسان و محیط و روابطش فراتر از زمان و مکان مشخصی به ما داده شده است. این شاکله از تجربه زیسته علی نصیر به دست آمده است. بنابراین درکنشانش داده‌های حسی و تجارب و مفاهیم تجربی هنرمند از انسان و روابطش، علی نصیر از ما خواسته با درنظرگرفتن شاکله انسان با انواع روابط متصورش، تمام انسان‌ها را به صورت مجازی درون این روابط متصوره، درون‌خورده ببینیم و بر احوال و روابط آنها درک و تأمل کنیم.

● **گروه هنر:** ۱۱ فیلم ایرانی در جشنواره فیلم‌های کوتاه ایرانی بیگ‌بنگ (Big Bang) برگزیده شدند. این رویداد هنری- فرهنگی، با ابتکار و همکاری انجمن سینمای جوانان ایران و شرکت فیلم‌سازی T.Short و سفارت یونان با هدف شناساندن هنر فیلم‌سازان فیلم کوتاه در ایران به مخاطبان یونانی و اروپایی، با مدیریت «خاچی میخانلیدیس» و همکاری «کاترین بالاموتی» از اول تا سوم ژوئن در آتن برگزار شد. گفتنی است این ۱۱فیلم برگزیده در ۷۰ سینمای کشور یونان، ایران خواهند شد و درآمد حاصل از آن به سازندگان این فیلم‌ها و تعلق خواهد گرفت. در این جشنواره همچنین به فیلم‌های هنوز نه، آری و لیبالیل، میزان، ایکی، هودار، حیوان، طناب و برای فروش لوح تقدیر اهدا شد.

موفقیت ۱۱ فیلم کوتاه ایرانی در جشنواره خارجی

● **گروه هنر:** ۱۱ فیلم ایرانی در جشنواره فیلم‌های کوتاه ایرانی بیگ‌بنگ (Big Bang) برگزیده شدند. این رویداد هنری- فرهنگی، با ابتکار و همکاری انجمن سینمای جوانان ایران و شرکت فیلم‌سازی T.Short و سفارت یونان با هدف شناساندن هنر فیلم‌سازان فیلم کوتاه در ایران به مخاطبان یونانی و اروپایی، با مدیریت «خاچی میخانلیدیس» و همکاری «کاترین بالاموتی» از اول تا سوم ژوئن در آتن برگزار شد. گفتنی است این ۱۱فیلم برگزیده در ۷۰ سینمای کشور یونان، ایران خواهند شد و درآمد حاصل از آن به سازندگان این فیلم‌ها و تعلق خواهد گرفت. در این جشنواره همچنین به فیلم‌های هنوز نه، آری و لیبالیل، میزان، ایکی، هودار، حیوان، طناب و برای فروش لوح تقدیر اهدا شد.

زیر آسمان فیروزهای

انتصابات جدید در سازمان سینمایی

● **گروه هنر:** در حکمی از سوی محمدمهدی حیدریان، رئیس سازمان سینمایی، سیدضیاء هاشمی، دبیر کمیته انضباطی کارگروه ارکان شد. در این حکم آمده است: «در راستای اجرا و تحقق هرچه بهتر نظامنامه نمایش فیلم، که راهکار مشترک صنوف و مورد تأیید این سازمان به منظور ایجاد فرصت‌های بهتر و عادلانه برای نمایش فیلم‌های سینمایی است به استناد ماده ۱۳ از فصل سوم نظامنامه مذکور، آن جناب را به‌عنوان دبیر کمیته انضباطی کارگروه ارکان منصوب می‌کنم تا در چارچوب دستورالعمل انضباطی مصوب شورای‌عالی ارکان نسبت به رسیدگی و برخورد با تخلفات، بر اساس مصوبات شورای انضباطی اقدام فرمایید».

همچنین حیدریان، در احکام جداگانه‌ای غلامرضا موسوی، محمد بانکی، سیدضیاء هاشمی، مسعود اطیابی، مهرداد فرید، کامران قدکچیان، علی آشتیانی‌پور، منوچهر شاهسوری و علیرضا رضاداد را به‌عنوان اعضای «کمیته یکپارچه‌سازی و ارتقای نظام تهیه‌کنندگی با مأموریت تنظیم اساسنامه، ثبت حقوقی و تعیین اعضا بر اساس راهبرد و اهداف مشخص‌شده» منصوب کرد.

حمله تند رابرت دنیرو به ترامپ در مراسم جوایز تونی

● **گروه هنر:** نمایش موزیکال «ملاقات با گروه موسیقی» هفتادودومین دوره جوایز تونی یکشنبه ۲۰ خرداد در نیویورک برگزار شد. در این دوره از جوایز تونی نمایش «هری پاتر و فرزند نفرین‌شده» شش جایزه دریافت کرد. بروس اسپرینگستین نیز برای شوی «اسپرینگستین در برادوی» یک جایزه ویژه گرفت؛ اما چیزی که بیش از جایزه او جلب توجه کرد، سخنان رابرت دنیرو بود. بازیگر «کاو خشمگین» که برای اهدای جایزه اسپرینگستین



روی صحنه آمده بود. از فرصت استفاده و با الفاظی توهین‌آمیز به ترامپ حمله کرد. هرچند که این بخش از حرف‌های او در تلویزیون پخش نشد؛ اما با تشویق ایستاده حاضران روبه‌رو شد.

فضای ضدترامپ جوایز به پشت صحنه مراسم هم کشیده شد و تونی کوشر، نمایش‌نامه‌نویش مشهور، در پشت صحنه موافقت خود را از نحوه حرف‌زدن دنیرو اعلام کرد و ترامپ را شخصیتی نامتعادل، خودشیفته و دارای مشکلات روانی توصیف کرد که قرارگرفتنش در کاخ سفید اشتباه بزرگی است. این مراسم با اجرای جاش گروبن و سارا برلیس برگزار شد.

برندگان جوایز تونی

● **بهترین نمایش:** «هری پاتر و فرزند نفرین‌شده» ● **بهترین موزیکال:** «ملاقات با گروه موسیقی» ● **بهترین بازیگر نمایش:** «فرشتگان در آمریکا» ● **بهترین بازیگرای موزیکال:** «یکی در این جزیره» ● **بهترین کتاب موزیکال:** «ملاقات با گروه موسیقی» ● **بهترین موسیقی اورجینال:** «ملاقات با گروه موسیقی»

● **بهترین بازیگر مرد نقش یک در نمایش:** اندرو گارفیلد در «فرشتگان در آمریکا»

● **بهترین بازیگر زن نقش یک در نمایش:** کلندا جکسون در «سن زه قدبلند»

● **بهترین بازیگر مرد نقش یک در موزیکال:** تونی شالهبود در «ملاقات با گروه موسیقی»

● **بهترین بازیگر زن نقش یک در موزیکال:** کاترینا لَنک در «ملاقات با گروه موسیقی»

● **بهترین کارگردانی نمایش:** جان تیفانی برای «هری پاتر و فرزند نفرین‌شده»

● **بهترین کارگردانی موزیکال:** دیوید کرامر برای «ملاقات با گروه موسیقی»

● **جایزه ویژه تونی:** جان لگویرامو و بروس اسپرینگستین

موفقیت ۱۱ فیلم کوتاه ایرانی در جشنواره خارجی

● **گروه هنر:** ۱۱ فیلم ایرانی در جشنواره فیلم‌های کوتاه ایرانی بیگ‌بنگ (Big Bang) برگزیده شدند. این رویداد هنری- فرهنگی، با ابتکار و همکاری انجمن سینمای جوانان ایران و شرکت فیلم‌سازی T.Short و سفارت یونان با هدف شناساندن هنر فیلم‌سازان فیلم کوتاه در ایران به مخاطبان یونانی و اروپایی، با مدیریت «خاچی میخانلیدیس» و همکاری «کاترین بالاموتی» از اول تا سوم ژوئن در آتن برگزار شد. گفتنی است این ۱۱فیلم برگزیده در ۷۰ سینمای کشور یونان، ایران خواهند شد و درآمد حاصل از آن به سازندگان این فیلم‌ها و تعلق خواهد گرفت. در این جشنواره همچنین به فیلم‌های هنوز نه، آری و لیبالیل، میزان، ایکی، هودار، حیوان، طناب و برای فروش لوح تقدیر اهدا شد.